

اطلاعاتی درباره سماور و آفتابه‌لگن سازی دواتگران



■ شغل: دواتگری
■ ویژگی: از ساخت وسیله نوشتن تا چرخ کاری

دواتگری هنری بود که در تهران قدیم طالب و خواهان بسیار داشت؛ شغلی که نخست به ساختن جوهردان و ظروفی که در آنها مرکب نوشتاری نگه می‌داشتند منحصر بود، اما با گذشت روزگار، نام آن باقی ماند در حالی که خود شغل پوست انداخت و دواتگران سماورساز شدند و کم کم سینی و آفتابه‌لگن فلزی ساختند. فتح‌رضاعلی، پژوهشگر حوزه کسب و کار در این باره می‌گوید: «در تهران قدیم اغلب پیشه‌وران این حرفه در «بازار سیداسماعیل» خیابان سیروس آن زمان، مصطفی خمینی امروزی یا گاراژ حریری در خیابان وحدت اسلامی بساط کسب و کارشان را پهن کرده بودند. شغلی که در این محدوده، به شیوه‌ای کاملاً سنتی با هنر دست استادانی تلفیق شد که با قطعاتی از ورق برنج و چند انبر و چکش و یک دم آتش و یک کاسه آب، سماور و دیگر اشیای فلزی می‌ساختند یا تعمیر می‌کردند.» به گفته رضاعلی، جعفر شهری، تهران‌شناس، در کتاب تاریخ اجتماعی تهران، درباره شغل دواتگری نوشته «در قرن سیزدهم دواتگری شغلی بود که تهیه دوات و دوات‌دان یعنی قلمدان می‌نمود و چون کار دواتگری با ورود قلم فرانسه و جوهر و قلم‌های نوک‌آهنی و در عقبش خودنویس رو به زوال گذارد، به تدریج دواتگران کار اولیه خود را به سماورسازی و امور ادوات برنجی تبدیل کرده و سماورساز شدند. به طوری که بعد از دواتگری کار این کاسبان تبدیل به ساختن آفتابه و وضو در اشکال و اندازه‌های مختلف از برنج شد؛ یعنی آفتابه‌ای کوچک برنجی که مخصوص وضو گرفتن بود و آن را در زمستان‌ها برای گرم نگه‌داشتن آب درونش در پایه کرسی جای می‌دادند. با گران و کم شدن سماورهای برنجی روسی در جنگ جهانی اول، ساختن سماورهایی از روی سماورهای آنها جزو دیگر کارهای این کاسبان درآمد که همراه آن تعمیر سماورهای سوخته و دیگر تعمیرات و لحیم کاری‌های مختلف ضمیمه کارشان شد.»

آن طور که استادان دواتگر قدیمی می‌گویند، این پیشه نزدیک به هزار سال قدمت دارد و جزو نخستین شغل‌های تهران به شمار می‌رود.

رضاعلی ادامه می‌دهد: «دواتگران با کوبیدن یک قطعه سنگ روی فلز سرد، ظرف یا شیء ساده را می‌ساختند. دواتگری هنر ساخت ظروف و وسایل فلزی با فلزاتی از قبیل مس، برنج، نقره، طلا، و ریشو... با استفاده از چکش کاری است. بعد از ساخت ظرف مخصوص جای دوات، در سده نوزدهم هنگامی که خوردن جای متداول شد و برای نخستین بار سماور از روسیه به ایران آمد، این پیشه‌وران سماورسازی را در پیش گرفتند. خم کاری، چرخ کاری و چکش کاری سماورهای برنجی از آن دست شغل‌هایی است که دیگر نه در کارگاه‌های کوچک که به کارخانه‌های بزرگ منتقل شده است و در میان مشاغل امروزی پایتخت، جایگاه و رونق گذشته را ندارند.



بستنی، آی بستنی؛ نوبر بهاره بستنی!

در ظرف‌های فلزی دوجداره که سرما را حفظ می‌کرد، می‌ریختند و با چرخ راهی کوچه‌ها می‌شدند و فریاد می‌زدند: بستنی، آی بستنی، نوبر بهاره بستنی!»

تهرانی‌ها به فروشندگان دوره‌گردی که بستنی یخی می‌فروختند آلاسکافروش می‌گفتند. آلاسکافروش‌ها نیز در کوچه‌های شهر دوره می‌افتادند تا در روزهای گرم تابستان مشتری پیدا کنند. زمانی ادامه می‌دهد: «در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بارونق گرفتن کارخانه‌های یخ‌سازی صنعتی، کار و بار آلاسکافروش‌ها هم رونق گرفت. کارگاه‌های کوچکی در تهران از جمله کارگاهی در خیابان کارون وجود داشتند که آلاسکا تولید می‌کردند. آلاسکافروش‌های دوره‌گرد صبح‌ها آلاسکاهای تولید کارگاه‌ها را در ظرف‌های عایق می‌ریختند و راهی کوچه‌های شهر می‌شدند.»

که با بستنی پر شده بود روی سر می‌گذاشتند تا با فروش بستنی، تابستان داغ را برای تهرانی‌ها دلپذیر کنند. علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، می‌گوید: «اولین بستنی فروش تهران ممدرش بود که دکان دار بود و در دکان خود بستنی تولید می‌کرد و می‌فروخت. او به بستنی خامه اضافه می‌کرد به گونه‌ای که خامه را دور قالب می‌مالید تا با گرداندن قالب، خامه سفت شود. در همان دوران که علاقه به بستنی حساسی همه‌گیر شد، شغل بستنی‌فروشی دوره‌گرد هم در تهران به وجود آمد. بستنی‌فروش‌های دوره‌گرد معمولاً بستنی را با کیفیت پایین‌تر در دست می‌کردند و قیمت بستنی تولیدی آنها هم برای مشتری کمتر از بستنی دکان‌ها تمام می‌شد. با پایان زمستان و گرم شدن هوا بود که سر و کله بستنی‌فروش‌های دوره‌گرد در گذرها و کوچه‌های تهران پیدا می‌شد. آنها بستنی‌ها را

■ شغل: بستنی‌فروشی سیار
■ ویژگی: بستنی‌فروش‌های سیار با چرخ طوافی در کوچه‌ها بستنی می‌فروختند

امروز تهیه بستنی کار آسانی است. کافی است سراغ نزدیک‌ترین سوپرمارکت به محل زندگی خودتان بروید تا از میان انواع بستنی‌هایی که در فریزر ردیف شده، بستنی دلخواه‌تان را انتخاب کنید. اما چند دهه پیش وقتی هنوز از یخچال و فریزر خبری نبود، تهرانی‌ها تابستان که می‌شد برای تهیه بستنی باید سراغ دکان‌های بستنی‌فروشی می‌رفتند که تعدادشان هم زیاد نبود. همان روزها اما کار و کاسبی بستنی‌فروش‌های دوره‌گرد سکه بود. بستنی‌فروش‌ها با چرخ طوافی راهی کوچه‌ها و محله‌های شهر می‌شدند و قالب‌بشکه‌های هم‌قالب‌های چوبی‌ای را



معر که گیرها محل مشخصی برای فعالیت نداشتند و برای درآمد بیشتر نمایش خود را در گذرها و محله‌های مختلف اجرا می‌کردند، اما برخی نیز مانند خلیل عقاب که بیشتر در نظام آباد دیده می‌شد پاتوق مشخصی داشتند و علاوه بر اجرای نمایش در محله‌های مختلف، در یک محله بیش از دیگر محله‌های شهر بساط پهن می‌کردند.»

کاسبی با خرس در خیابان

نداشتند؛ هر چند بیشتر در گذرهای شلوغ و پررفت‌وآمد که احتمال جمع شدن مردم بیشتر بود بساط خود را پهن می‌کردند. تماشای معر که گیری هم رایگان بود، اما معر که گیر تلاش می‌کرد با شگفت‌زده کردن مردم آنها را راضی کند که هنگام اجرای نمایش مبلغی به عنوان هدیه به او بدهند. از دوران قاجار تا دوران پهلوی اول و دوم کار و بار معر که گیرها سکه بود تا اینکه به تدریج با ورود سرگرمی‌های بیشتر، حضور معر که گیرها که حتی تا دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هم در برخی محله‌های تهران بساط پهن می‌کردند کم‌رنگ شد. تهران معر که گیرهای معروفی هم داشت که برخی از آنها میان مردم به شهرت رسیده بودند. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ «خلیل عقاب» که بعدها پس از سفر به انگلیس و آشنایی با سیرک‌های انگلیسی‌نخستین سیرک تهران و ایران راه‌اندازی کرد، یکی از معروف‌ترین معر که گیرهای تهران بود که از زور بازویش برای اعمالی چون پاره کردن زنجیر و... استفاده می‌کرد. اگرچه

■ شغل: معر که گیری
■ ویژگی: معر که گیرها با اعمالی چون مارگیری، کشتی با خرس و... پول به جیب می‌زدند

پولی که نصیب‌شان می‌شد با انجام کارهای عجیب و شگفت‌آور رابطه مستقیم داشت؛ هر چه معر که گیر کارهای خارق‌العاده بیشتری انجام می‌داد و جمعیتی که دورش حلقه زده بودند را بیشتر به وجد می‌آورد، احتمال اینکه تماشاچی‌ها دست در جیب کنند و پولی در کیسه‌اش بیندازند هم بالاتر می‌رفت. روزگاری نه چندان دور، گذرهای تهران محل کاسبی معر که گیرهایی بود که هر کدام توانایی‌هایی خاص داشتند؛ یکی با مارگیری پول در می‌آورد، یکی با خرس گلاویز می‌شد و دیگری هم با زنجیر پاره کردن و برخی نیز با مجموعه‌ای از این ترفندها و توانایی‌ها. علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، در این باره می‌گوید: «معر که گیرها در تهران قدیم پاتوق مشخصی

